

Historical Reading of the Concepts of Individual Freedom and State Power in the Political Discourse of Ayatollah Naini and Sheikh Fazlullah Nouri in the Constitution

Valiullah Esfandiyar ¹ Garineh Keshishyan Siraki ²

1. PhD Student of Political Science Department, Political Thought, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: validsfandiyar@gmail.com

2. (Corresponding Author). Assistant Professor, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: g.keshishyan71@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 14 Oct 2021

Received in revised

form: 4Feb 2022

Accepted: 9Mar2022

Published online: 5 May 2022

Keywords:

Historical Reading,
Political Discourse,
The Concept of Individual
Freedom,
The Concept of Government
Power,
Ayatollah Naeini,
Sheikh, Fazlullah Nouri.

ABSTRACT

The purpose of writing this article is to explain the differences between the historical reading of the concepts of individual freedom and state power in the political discourse of Ayatollah Naeini and Sheikh Fazlullah Nouri. The concepts of individual freedom and the power of the state and its characteristics for Shiites have been the main topics of Shiite jurists during the period of absence. The Constitutional Revolution, which is one of the most important developments in the contemporary period of our country, followed by the establishment of a new monarchical regime; It is one of the historical turning points in which the legitimacy of the new political regime in its application to Islamic principles was disputed by scholars. Some saw the constitutional revolution and its purpose in accordance with the theoretical positions of religious thought, and their reading of the constitution coincided with the explanation of the concepts of individual freedom and state power. On the other hand, they saw constitutionalism and its institutions as contrary to the theoretical foundations of Shiite political thought. The representatives of these two different jurisprudential approaches to the basis of the legitimacy of the constitutional government were the two great jurists of the constitutional era, Allameh Naeini and Sheikh Fazlullah Nouri. The results of this article in the face of two jurists with the concepts of new political discourse on the one hand witnessed the elitist ideology and bipolar theory of government by Sheikh Nouri to fulfill the rules of Sharia and on the other hand Allameh Naini for the first time to some extent freedom and sovereignty He accompanied the people along with Velayat-e-Faqih on the bed of religion. This article, using the discourse concepts of these thinkers with their own historical reading, led to the inference of a different and sometimes contradictory view of these thinkers.

Cite this article: Esfandiyar, Valiullah & Keshishyan Siraki, Garineh (2022). Historical analysis of factors affecting the growth of the position of Upper Semirom in the second half of the Safavid era (1006-1135A.H). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16.No30, Pages 49-72. DOI. 10.22111/JHR.2021.36995.3033





© The Author(s). Valiullah Esfandiyar & Garineh Keshishyan Siraki
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/JHR.2021.36995.3033

خوانش تاریخی مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت در گفتمان سیاسی

آیت‌الله نائینی و شیخ فضل‌الله نوری در مشروطه

ولی‌الله اسفندیار^۱  گارینه کشیشیان سیرکی^۲ 

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: validsfandiyar@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) رایانامه: g.keshishyan71@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت و ویژگی‌های آن از مباحث اصلی فقهای شیعه در دوره غیبت بوده است. انقلاب مشروطه در ایران و تاسیس رژیم جدید سلطنتی، یکی از نقاط عطف تاریخی است که در آن مشروعیت سیاسی رژیم جدید در تطبیق آن با مبانی اسلامی مورد اختلاف علما قرار گرفت. گروهی انقلاب مشروطه و هدف آن را با مواضع نظری اندیشه دینی مطابق دیدند و خوانش آنان از مشروطه با تبیین مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت، هماهنگ بود. در مقابل گروهی مشروعیت و نهادهای آن را با مبانی نظری اندیشه سیاسی شیعی مغایر دانستند. نماینده این دو رویکرد متفاوت فقهی در مورد مبنای مشروعیت حکومت مشروطه دو فقیه بزرگ عصر مشروطه، علامه نائینی و شیخ فضل‌الله نوری بودند. تبیین تفاوت‌های خوانش تاریخی مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت در گفتمان سیاسی آیت‌الله نائینی و شیخ فضل‌الله نوری خواست مقاله حاضر است. نتایج بررسی این مقاله در مواجهه دو فقیه با مفاهیم گفتمان سیاسی جدید از یک طرف شاهد ایدئولوژی نخبه‌گرایانه و نظریه دو قطبی حکومت از طرف شیخ نوری برای تحقق احکام شرع بود و از طرف دیگر علامه نائینی برای نخستین بار تا حدودی آزادی و حق حاکمیت مردمی را در کنار ولایت فقیهان در بستر دین همراه نمود. این مقاله با استفاده از مفاهیم گفتمانی این متفکران با خوانش تاریخی خاص خودشان منجر به استنتاج نوع نگاه متفاوت و بعضاً متضاد این متفکران گردید.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۲/۱۵

واژه‌های کلیدی:

خوانش تاریخی،
گفتمان سیاسی،
مفهوم آزادی فرد،
مفهوم قدرت دولت،
آیت‌الله نائینی،
شیخ فضل‌الله نوری.

استناد: اسفندیار، ولی‌الله و کشیشیان سیرکی، گارینه، (۱۴۰۱). خوانش تاریخی مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت در گفتمان سیاسی آیت‌الله نائینی و شیخ فضل‌الله نوری در مشروطه، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۰، ص ۴۹-۷۲.

10.22111/JHR.2021.36995.3033:DOI

مقدمه

دو نظریه سلطنت مشروطه و سلطنت مطلقه، با در نظر گرفتن گفتمان سیاسی خاص خود در دوره مشروطه، مقابل هم تدوین شدند از این رو هر دو نظریه، نظریاتی جدید در سنت فقه شیعه به شمار می آیند. بدین منظور دولتمردان ایرانی اصلاحات نه چندان موفق را در سطوح سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی انجام داده بودند. بنابراین جامعه ایران در دوره مشروطه جامعه‌ای کاملاً سنتی نبود. ضرورت اصلاح دولت و جامعه قاجاری الزامات سیاسی جدیدی را به همراه داشت؛ الزاماتی مانند تحدید قدرت سیاسی، تأسیس مجلس شورای ملی، تدوین قانون اساسی، توجه به آزادی‌های اساسی و برابری مدنی که این الزامات به دنبال اصلاحات دولتی مطرح شد که برابری برای تداوم آن ضروری بود. بنابراین سطح آرا و اندیشه‌ها، بسته به خوانش‌های متفاوت از مفاهیم و جملاتی که صاحب تفکر به کار می برد و عمق آزادی فرد و قدرت دولت در آرا و اندیشه‌ها وجود دارد و می تواند متفاوت باشد و بحث قدرت حضور آرا و اندیشه‌ها در جامعه فکری و اجتماعی است که طبعاً با توجه به تفاوت‌هایی که میان آن‌ها وجود دارد غیر از تفاوت‌های زمانی در زمان خودشان، در قبال اندیشه‌های دیگر پیدا کرده و با ویژگی‌های خاصی از مفصل بندی همراه بوده است. در نظریه گفتمان که بر نقش زبان در بازنمایی و نیز ایجاد واقعیت اجتماعی تأکید می کند؛ بنابراین دسترسی به واقعیت از طریق زبان میسر است؛ اما بازنمایی واقعیت از طریق زبان هرگز بازتاب واقعیت از پیش موجود و عینی نیست. بلکه در این بازنمایی، زبان در ایجاد واقعیت نقش ایفا می کند در واقع جهان محصول گفتمان هاست، البته نظریه گفتمان سیاسی وجود واقعیت را نفی نمی کند، اما معتقد است اشیاء و پدیده‌ها تنها از طریق گفتمان معنا می یابند.

آزادی فرد از حقوق فطری و طبیعی انسان است که خداوند متعال در وجود آدمی سرشت و آن را یکی از رسالت‌های انبیا (ع) قرار داده تا قانون بردگی را از بین ببرند. امیرمؤمنان علی (ع) این سرشتگی آزادی با انسان را به جعل تعبیر کرده است: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا (نهج البلاغه، نامه ۳۱) بنده‌ی دیگران مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.» «آزادی به معنای حق و اختیار و به طور کلی مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال خود است.» (ملک افضلی اردکانی و مطهری فرد، ۱۳۹۶: ۱۳۰). همچنین آزادی سیاسی به دو عامل اساسی بستگی دارد. ۱- قانون اساسی و ۲- میزان

اعمال قدرت حاکمان. «قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین منبع تبیین‌کننده آزادی سیاسی و حقوق مدنی انسانها است. در کنار قانون اساسی عامل دیگری که نقش تعیین‌کننده‌ای در سعه و ضیق آزادی سیاسی و گفتمان سیاسی دارد، میزان اعمال قدرت دولت است. (میراحمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۴). در این مقاله تلاش خواهد شد که خوانش تاریخی از مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت در نزد دو متفکر اصلی مشروطه مورد بررسی و مقایسه قرارگیرد؛ تا نتایج این بررسی مورد کنکاش قرار گیرد.

پیشینه تحقیقات

۱- سید محمد موسوی در مقاله تحول گفتمان سیاسی شیعه در قرن بیستم که در سال (۱۳۸۷) به رشته تحریر در آمده می‌نویسد که شیعه برخلاف دوره حضور امام معصوم (ع) در دوره غیبت تنوع نظری دارد. مهم‌ترین تحول گفتمان شیعه در قرن بیستم تحول از سیاست‌گریزی و تمایل به ضرورت دخالت در مسائل سیاسی با هدف تشکیل حکومت اسلامی است. از این رو، گفتمان ولایت فقیهان عادل، گفتمان سیاسی غالب شیعه در این دوره است، که با پیروزی انقلاب اسلامی به گفتمان حاکم تبدیل شد.

۲- محمد پزشکی در مقاله فقه سیاسی و تجدد: تحلیل گفتمانی فقه سیاسی مشروطیت (۱۳۹۴) که نتایج آن تحقیق، توجیه گفتمانی الزامات سیاسی است که در فقه سیاسی دوره مشروطیت ظهور یافت و در مورد آن احتجاجات فقهی-حقوقی ورود مدرنیته سیاسی به ایران را در دوره قاجار تفهیم نمود و با نیل به این هدف با کاربست روش شناسی گفتمان انتقادی و روش پژوهش اسنادی، مقدمات لازم را فراهم کرد.

۳- سید صدرالدین موسوی جشنی در مقاله صورت‌بندی گفتمانی علمای شیعه در انقلاب مشروطه (نگاهی به جبهه‌بندی گفتمانی علمای شیعه در انقلاب مشروطه که در سال ۱۳۹۳ به روش توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر در آورده به انقلاب مشروطه که یکی از نقاط عطف تاریخی و بی‌نظیر در تاریخ ایران معاصر محسوب می‌شود اشاره می‌کند و در نتایج آن می‌گوید که در این برهه، اندیشه‌ها، نظرها و گفتمان‌های مختلفی از بطن جامعه سربرآوردند. بر این اساس، خرده گفتمان‌های موجود در گفتمان عام روحانیت شیعی، به مؤلفه‌ها و عناصر اصلی مدرنیته بی‌توجه بودند و بیشتر با

توجه به کنش گفتمان‌های رقیب و در تضاد با یکدیگر بودند که به تولید متون و مفاهیم در باب مشروطه پرداخته و نسبت خویش را با مشروطیت تعیین کردند. این امر باعث شد که این گفتمان‌ها از درک واقعی مدرنیته عاجز باشند و در نسبت خود با آموزه‌های مشروطیت نا سازواری‌های زیادی داشته باشند. گو اینکه همین نا سازواری در ماهیت انقلاب مشروطیت در ایران باعث ابهام و بعدها شکست این جنبش گشت.

۴- در مقاله فقیه هوشیار: شیخ فضل‌الله نوری و مشروطه، نوشته گارینه کشیشیان سیرکی و جودی (۱۳۹۶) که به روش توصیفی-تحلیلی تحقیق شد به موضع شیخ فضل‌الله نوری نسبت به مشروطه نه موضعی سیاسی، بلکه ریشه‌ای از درک عمیق او از مفروضات دینی و تباین آن با نظام مشروطه به‌عنوان محصول اندیشه مدرن پرداخته شد. در این مقاله اندیشه‌های شیخ فضل‌الله نوری به‌عنوان یکی از تفکرات مهم مطرح شده در زمان مشروطه؛ مورد نقد و بررسی قرار گرفته که در این مقاله نیز، از آن استفاده خواهد شد.

چارچوب مفهومی

تحولات سیاسی فکری ایران عصر قاجار موجب دگرگونی در سامان فکر سیاسی آن دوران شد و یکی از ثمرات آن بی‌شک جنبش مشروطه‌خواهی بود. مشروطه‌خواهان با بهره‌گیری از «مفاهیم نوآیین» سعی در فهم زمانه و دگرگون کردن آن داشتند. بنیاد این «مفاهیم نوآیین» مفهوم تجدد (افسرده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲) و سپس مفاهیمی مانند آزادی فرد و قانون بود. از آنجایی که آزادی فرد با ابعاد مختلفش در رشد و تکامل انسان و جامعه نقش مؤثری دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از موهبت‌های الهی به‌شمار می‌رود. آن‌چنان که واضح و مبرهن است، در کشورهای مسلمان «برای امر قانون‌گذاری دو مبنای نظری کلی می‌توان طرح کرد، یکی مبنای دینی که در شرع یا شریعت متبلور می‌شود و دیگری مبنای مدرن که با اراده جمعی و از طریق پارلمان تبلور می‌یابد.» (کشیشیان سیرکی و جودی، ۱۳۹۶: ۳). بنابراین مفهوم آزادی فردی در همان شق مدرن آنکه در ارتباط با اراده جمعی و از طریق تبلور آن در مفهوم پارلمان و از طریق پارلمان است؛ مورد دسترسی قرار خواهد گرفت. قانون اساسی مهم‌ترین عامل تبیین‌کننده محدوده و قلمرو آزادی سیاسی در مقام نظر و قدرت‌حاکمان و میزان اعمال آن در جامعه است. «آزادی سیاسی قسمتی از حقوق افراد است که به‌موجب آن می‌توانند

حق حاکمیت داشته باشند، خواه به‌طور مستقیم و خواه از طریق انتخاب نمایندگان.» (جعفری، ۱۳۶۳: ۳۱). به نقل از یکی از نویسندگان این حوزه «آزادی سیاسی حق حضور فعال مردم در صحنه سیاست است.» (منتظر قائم، ۱۳۸۷: ۱۱۸). همچنین آزادی سیاسی را می‌توان حائز دو مؤلفه محتوایی یعنی اعمال حق حاکمیت و زمینه‌سازی مشارکت فعال سیاسی در جامعه و یک مؤلفه صوری یعنی فقدان فشار سیاسی و اجبار از ناحیه حکمرانان دانست.» (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۹۹). بنابراین براساس نظریه گفتمان، تمامی تحولات اجتماعی حاصل منازعات معنایی میان گفتمان‌هاست و این گفتمان‌ها همواره در تلاش برای حفظ معنای خودی و طرد معنای دیگری است. این مقاله درصدد بررسی خوانش تاریخی مفهوم آزادی فرد و قدرت‌دولت در گفتمان سیاسی آیت‌الله نایینی و شیخ فضل‌الله نوری است.

نظریه گفتمان به مثابه روش

«دغدغه اصلی در نظریه گفتمان آن است که مردم در جوامع، چه درک و شناختی نسبت به خود دارند. به عبارت دیگر، تعریف مردم در جوامع گوناگون از خودشان چیست و به تبع این تعریف و شناخت، الگوی رفتاری آن‌ها چیست؟» (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۲۰۷). گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرآیند معنابخشی ساخته می‌شود و تغییر می‌کند. «هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان، تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت. مخاصمات گفتمانی، به تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود.» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲) البته موضوع حائز اهمیت‌تر در این رابطه خوانشی است که به‌صورت تاریخی از این گفتمان‌ها مطرح می‌شود و همین خوانش شرایطی را برای آینده رقم می‌زند. میشل فوکو، گفتمان را مجموعه‌ای از احکام می‌داند، به‌نقل از وی «ما مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمان می‌نامیم. گفتمان متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای آنها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد.» (فوکو، ۱۳۹۸: ۱۱۷). «ویژگی منحصر به فرد تحلیل گفتمان از منظر فوکو آن است که ماهیت امور مورد بررسی از پیش تعیین نمی‌شود؛ بلکه توأم با همان صورت‌بندی‌های گفتمانی پا به عرصه حیات می‌گذارد که امکان گفت‌وگو درباره آن‌ها را فراهم آورده‌اند.» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶) فیلیپس و یورگنسن در یک تعریف مقدماتی «گفتمان را شیوه‌ای خاص

برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا یکی از وجوه آن معرفی می‌کنند.» (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۸) در همین راستا دیوید هوارث نیز یکسان‌انگاری گفتمان و ایدئولوژی را رد می‌کند، چرا که «ایدئولوژی در مفهوم سنتی خود همان عقایدی است که عاملان اجتماعی، اعمال خود را با آن توجیه می‌کنند؛ اما گفتمان وسیع‌تر از آن و شامل همه صور حیات اجتماعی، سیاسی، نهادها و سازمان‌ها می‌شود.» (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۵)

درواقع مفهوم گفتمان جایگزین مفاهیم ایدئولوژی، در مارکسیسم و زبان در نظریه‌های پسامدرن شده‌است. زبان، در ایجاد واقعیت و در بازنمایی نقش‌اساسی دارد. دسترسی به واقعیت، تنها از طریق زبان ممکن است و هیچ واقعیت پیشینی و از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد. «تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود. از این‌رو، نزاع گفتمانی به ایجاد، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود.» (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

با بهره‌گیری از نظریه گفتمان، «آیت‌الله نائینی با همه اختلافات فکری و مبنایی که با بعضی از متفکران سیاسی عصر خود دارد اعتقاد به تعارض میان مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت دارد و از منظر وی فقیه، بر مبنای مشروعیت برگرفته از اراده مردم، به‌عنوان حلقه واسط میان آن دو قرار می‌گیرد و از این طریق به تعارض میان آنها پایان می‌دهد.» (نائینی، ۱۳۷۷: ۱۰۸) ولی با تکیه بر نظریه گفتمان، شیخ فضل‌الله نوری معتقد است که «قدرت و آزادی در درون یک شبکه سیاسی پیچیده با هم عمل می‌کنند.» (مهدوی نسب، ۱۳۹۰: ۱۳)

بنابراین به‌جز تفاوت‌هایی که از نگاه مفهومی بین آرا این دو متفکر مشروطه می‌توان یافت؛ خوانش تاریخی نیز وجود دارد، که می‌تواند این تفاوت‌ها را بیش‌از پیش پررنگ نموده و بیان کند که مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت، تا چه حد می‌تواند از منظر این دو متفکر هم‌عصر، با دغدغه مشترک مشروطه متفاوت ظاهر شود و به ایجاد دو تفکر کاملاً متفاوت از منظر تاریخی منجر شود.

گفتمان آزادی و گفتمان قدرت و خوانش‌های تاریخی از آن‌ها

از زمانی که اندیشمندان و فلاسفه سیاسی به مفهوم دولت^۱ پرداختند، بحث آزادی سیاسی یکی از محوری‌ترین مباحث علوم سیاسی بوده است. آزادی‌هایی را که فرد در روند تکامل خود به آنها نیاز دارد در چهار حوزه کلی قابل بررسی است: ۱. حوزه اخلاقی ۲. حوزه اعتقادی ۳. حوزه اجتماعی و اقتصادی ۴. حوزه سیاست.

در بررسی مفهوم حکومت از منظر شیعه حیات انسان منحصر در زندگی مادی نیست، بلکه برای او حیات معنوی نیز قائل است. از این‌رو به آزادی معنوی انسان بیش از آزادی ظاهری و دنیایی اهمیت می‌دهد. البته اگر بخواهیم ریشه‌های این نوع نظر را در اندیشه‌های غربی نیز جستجو کنیم به سقراط می‌رسیم. در همین زمینه سقراط می‌گوید: «آزادی یعنی این که فرد از بردگی امیال حیوانی خویش که از نظر عقل سزاوار سرزنش است، رهایی یابد.» (بیات، ۱۳۸۱: ۱۵) در خوانش‌های تاریخی و در تأکید بر مفهوم آزادی سیاسی در کاربرد عام آن، هرگونه فعالیتی که بر سرنوشت سیاسی جامعه تأثیر می‌گذارد آزادی سیاسی تلقی می‌شود. ولی آزادی سیاسی در کاربرد خاص آن مربوط به دخالت آحاد جامعه در حکومت و اداره امور کشور است. با این وجود «آزادی سیاسی حق فرد در مشارکت در کارهای دولت است از طریق حق رأی‌دادن و انتخاب شدن و آزادی بیان و روزنامه‌نگاری و اجتماع.» (کشاکش، ۱۳۷۸: ۶۱). همچنین مفهوم آزادی سیاسی در یک نظام حکومتی با رعایت حدود آن عبارتند از: «مشارکت مردمی و جلب رضایت مردم و افزایش کارآمدی نظام.» (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۱۹۲). در همین راستا و در خوانش تاریخی از مفهوم قدرت نیز می‌توان این چنین بیان نمود که: قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری، فرمان دادن و مجازات کردن از ابزارهای اصلی قدرت در داخل همه گروه‌هاست. اگر قدرت فقط براساس زور قرار داشته باشد، فرمانبران، آن‌را برحق نمی‌دانند و دلیل فرمانبری آن‌ها تنها ناشی از غلبه و ترس خواهد بود؛ اما، اگر فرمانبران از دارنده قدرت پشتیبانی کرده و او را شایسته بدانند،

قدرت برحق می‌شود و فرمان‌هایش آزادانه پذیرفته می‌شود. بنابراین قدرت عبارت است از: «توانایی فکری و عملی برای ایجاد شرایط و نتایج مطلوب.» (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۵۳۵).

در خوانش تاریخی دیگری از مفهوم قدرت می‌توان به این ترتیب مطرح کرد که: از قدرت فرد، قدرت گروه یا حزب، قدرت یک حکومت و یا از قدرت یک دولت می‌توان نام برد. «کادری که در آن قدرت سیاسی اجرا می‌شود، دولت نام دارد. از این لحاظ به قدرت سیاسی، قدرت دولتی هم گفته می‌شود و در قدرت دولتی نوع منحصر به فردی است. زیرا، اگرچه قدرت در همه نقاط جامعه پراکنده است و در ساختار خانواده، گروه‌ها و نهادهای دیگر نیز یافت می‌شود، اما دولت در سراسر جامعه انحصار کاربرد سلطه و قدرت مشروع را در اختیار دارد.» (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۹). در خوانش تاریخی جمالزاده از همین موضوع، می‌توان چنین استنباط کرد که اگر در جامعه تعادل بین سه رأس مثلث قدرت، آزادی و قانون برقرار باشد، آن جامعه، جامعه‌ای سالم و هارمونیک خواهد بود. «اما قدرت یک جوهر انتزاعی نیست که در خلأ معلق باشد. قدرت در موجودات انسانی جای داده شده است. قدرت رابطه‌ای است که هر زمان شخص بتواند اراده خویش را بر اشخاص دیگر تحمیل کرده و آن‌ها را چه بخواهند و چه نخواهند به فرمانبرداری وادار کنند، وجود خواهد داشت.» (جمالزاده، ۱۳۶۶: ۶۷). در همین راستا و در تقویت این ایده می‌توان از فرکلاف یاد کرد. نورمن فرکلاف از مفهوم «قدرت پشت گفتمان» استفاده کرده است. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۴۶) توان گفتمان‌ها در تثبیت معنا و هژمون شدن، وابسته به میزان قدرتی است که پشت آنها وجود دارد و از آنها حمایت می‌کند. قدرت پشت یک گفتمان به وسیله برجسته‌سازی، نشانه‌ها را به گونه‌ای خاص معنا می‌کند و با تولید اجماع، آن را در افکار عمومی هژمونیک می‌سازد. بدین ترتیب، معنای خاصی از نشانه‌ها یا دال‌های شناور آن گفتمان را در اذهان سوژه‌ها به طور موقت تثبیت می‌نماید. از سوی دیگر به کمک حاشیه‌رانی، می‌کوشد معنای ارائه شده توسط گفتمان رقیب را به حاشیه براند و دال مرکزی آن را ساختارشکنی کند. (کسرای، ۱۳۸۸: ۳۵۳)

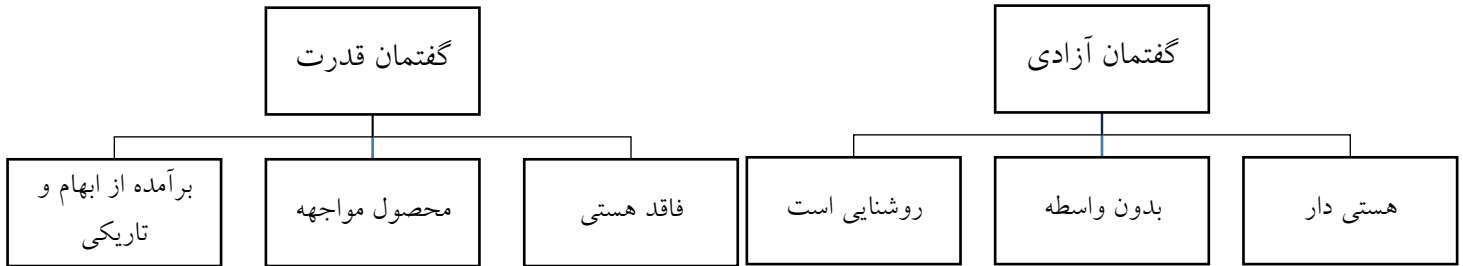
در تقویت این نظر، به اقوال فوکو خواهیم رسید. از قول میشل فوکو تنها یک گفتمان وجود دارد و آن گفتمان قدرت است. تمام گفتمان‌ها در آخرین تجزیه و تحلیل به گفتمان قدرت منتهی می‌شود. در مقابل این نظریه یک گفتمان دیگر به نام گفتمان آزادی وجود دارد. (فوکو، ۱۳۹۸: ۴۲) البته چون

خوانش تاریخی از این مفاهیم متفاوت است؛ بسته به زاویه دید افراد می‌توان مفاهیم متفاوت با معانی کاملاً مجزا از هم یافت.

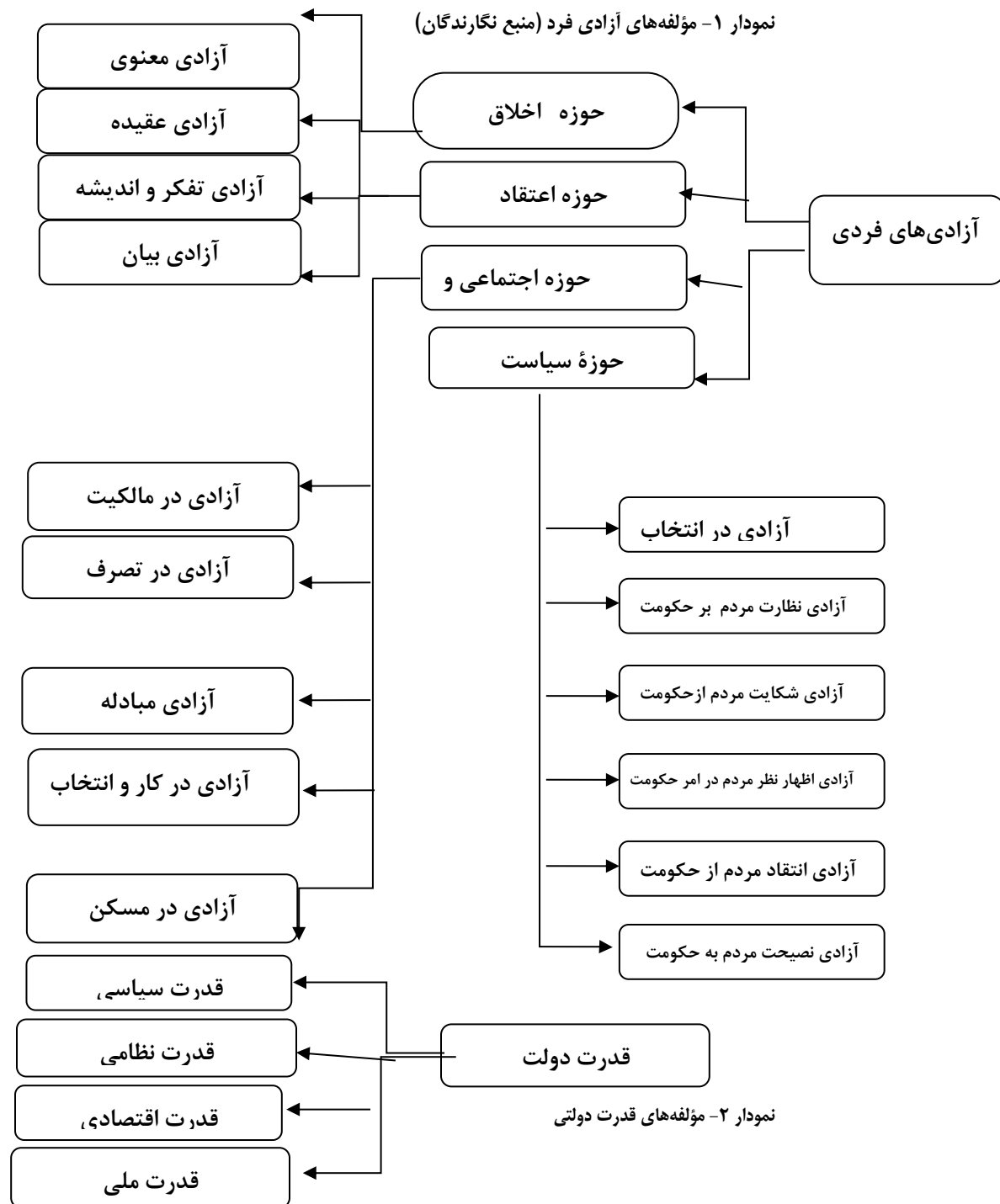
آزادی \longleftrightarrow گفتمان \longleftrightarrow قدرت

در بررسی از منظر خوانش تاریخی بایستی اذعان داشت که گفتمان آزادی با استفاده از زبان‌شناسی ما را به یک گنجینه‌ای از لغات که گزارش گفتمان آزادی است، هدایت می‌کند، و در بررسی از منظر خوانش تاریخی گفتمان قدرت مشخص می‌شود که گفتمان قدرت و گفتمان آزادی نه تنها مستقل، بلکه معارض و ناقض یکدیگر هستند و نیز آنکه نشان داده می‌شود که می‌توان این دو مفهوم را دو گفتمان مستقل دسته‌بندی کرد. اغلب اندیشمندان به‌خصوص در حوزه علوم سیاسی، دو مفهوم گفتمان قدرت و گفتمان آزادی را در کنار هم، و گاه مکمل یکدیگر و گاه در یک معنا و مفهوم مشترک تعریف می‌کنند. لذا برای نشان دادن دوگانگی و تعارض تناقض‌آمیز میان دو مفهوم آزادی و قدرت، که از مبحث یک امر ذهنی است، و محصول نوع مواجهه ما با توانایی‌ها و نوع مواجهه ما با منابعی است که محصول توانایی‌ها و یا محصول تاریخی نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است، بایستی این مفاهیم را در اندیشه سیاسی اندیشمندان مختلف از منظر تاریخی جستجو کرد. مفهوم آزادی و معنای تاریخی آن نشان می‌دهد که آزادی هستی‌دار است، زیرا هر فرد می‌تواند آزادی را بدون هیچ واسطه‌ای و بدون هیچ رابطه‌ای، در خود بیابد و وجود و هستی آن را تصدیق کند. اما قدرت برآمده از ابهام و تاریکی است، قدرت مدرن با استعانت از تاریکی، ابهام و سانسور بر منابع قدرت خود می‌افزایند. به محض اینکه بر قدرت و تمام زوایای آن نور بتابانید، در دم هر قدرتی که اسباب رابطه سلطه و اسباب نابرابری با دیگری است، محو می‌شود. البته این خوانش‌های تاریخی از مفاهیم آزادی و قدرت می‌تواند در بین اندیشمندان مختلف متفاوت باشد و همین خوانش متفاوت است که باعث تفاوت‌های اندیشه‌ای می‌شود.

نمودار گفتمان آزادی و گفتمان قدرت (محقق ساخته)



بنابراین گفتمان آزادی و گفتمان قدرت به‌منزله شیوه‌های فراگیر تجربه و فهم جهان است که در سطح واژگان و فراتر از آن صورت بندی می‌گردد. گفتمان سیاسی به‌سختی می‌تواند از تعریف مفهوم سیاست و امر سیاسی اجتناب کند و از دیگر سو سیاست و نیز امر سیاسی چیزی نیست که یک تعریف واحد، بدیهی و مورد اجماع داشته باشد. «گفتمان سیاسی، به‌منزله یکی از زیرمجموعه‌های گفتمان در یک معنای عام، را می‌توان مبتنی بر دو معیار کارکردی و موضوعی دانست». (لاکلائو و موفه، ۱۳۹۵: ۱۴۷) همچنین گفتمان سیاسی یکی از برآوردهای سیاست است و در بستر تاریخی و فرهنگی (بر مبنای قدرت و هویت) تعیین می‌یابد. «گفتمان وسیله انتقال قدرت و مولد قدرت است. گفتمان قدرت را تقویت می‌کند اما همچنین به خطر می‌اندازد، آسیب‌پذیر می‌کند و ممانعت از آن را امکان‌پذیر می‌کند» (محمدنژاد، ۱۳۹۴: ۱۰۲) برای روشن‌تر شدن بحث مقایسه‌ای مفهوم آزادی فردی و قدرت دولتی، دو نمودار ذیل توسط نگارندگان تدوین شده‌است.



با توجه به این نمودارها روشن‌تر می‌شود که دو حوزه آزادی فردی و قدرت دولتی تا چه میزان با هم تفاوت دارند و اینکه خوانش تاریخی این مفاهیم در اندیشه‌های دو اندیشمند و متفکر عصر مشروطه که جز تأثیرگذارترین‌های مشروطه نیز به‌شمار می‌روند؛ تا چه حد می‌تواند با هم متفاوت باشد. در واقع می‌توان گفت که «در عصر مشروطه مردم با تأثیر گرفتن از علمای مشروطه‌خواه و آموزه‌های دینی مبتنی بر ظلم‌ستیزی به صف مبارزه با خودکامگی پیوستند (رضایی و مرادی، ۱۳۹۵: ۱۱۷) همین موارد بود که توجه به مفاهیم آزادی فردی و قدرت دولتی را در بین آنان گسترش داد.

زمینه‌های فکری نائینی و نوری از منظر تاریخی و خوانش‌های متفاوت از آن‌ها

آیت‌الله نائینی و شیخ فضل‌الله نوری دو متفکر برجسته در اندیشه‌های اسلام معاصر هستند که با یک مبانی نظری شروع کرده ولی با دو تفسیر و دو خوانش مختلف به دو نتیجه متفاوت رسیده‌اند. برای تبیین اندیشه‌های سیاسی این دو متفکر با بهره‌گیری از روش گفت‌وگو، بررسی نظرات و بیانات آنان در کتب، رسالات و آرا آنان خواهیم پرداخت. در همین راستا، در وصف مشروطیت و مشخصات نظام مشروطه در رساله حرمت مشروطه، اثر مرحوم شیخ فضل‌الله نوری بیان شده‌است که وی معتقد است در شکل‌گیری مشروطیت ابتدا به نوشتن قانون اساسی به اعتبار اکثریت آراء، تساوی حقوق، آزادی قلم و مطبوعات و بسط عدالت توجه شد. «رساله حرمت مشروطه، اثر شیخ فضل‌الله نوری، نوشته‌ای است که در آن به مبانی حرمت مشروطه به‌شکل روشن‌تری پرداخته شده‌است. ایشان معتقد است که در شکل‌گیری مشروطیت ابتدا به نوشتن قانون اساسی و اعتبار اکثریت آراء توجه شد که با شریعت اسلام می‌آیند دارد. اگر قانون دولتی مطابق اسلام است که ممکن نیست در آن مساوات، و اگر مخالف اسلام است منافی است با آنچه در قانون اساسی نوشته شده و مخالف اسلام است و قانونیت پیدا نمی‌کند. (نوری، ۱۳۷۴: ۱۶۱). همچنین «تساوی حقوق، آزادی قلم و مطبوعات، گسترش عدالت و اینکه فقها در دوره غیبت مرجع در حوادث را از جمله ویژگی‌های نظام مشروطه می‌دانند» (ترکمان، ۱۳۶۲: ۱۲۵) و همچنین بر عامه متدینین معلوم است که بهترین قوانین، قانون الهی است.

(نوری، ۱۳۸۷: ۳۲) این مطالب خوانش نوری از مشروطه و مشروعه است که با خوانش نائینی مقایسه خواهیم نمود.

حکومت مشروطه از دیدگاه نائینی به یکی از دو وجه متجلی و محقق می‌شود. یکی همان حکومت کامل و عاری از عیب و کاستی امام معصوم است که کمال آن از عصمت امام منشعب می‌شود و دیگری حکومت مشروطه غیر معصوم که اگرچه مانند حکومت معصوم، پیراسته از عیب و نقص نیست، اما در ابعاد زیادی بر حکومت مستبده ارجحیت دارد. مشروعیت و مطلوبیت این نوع از حکومت از غیر کامله مشروطه از دیدگاه نائینی نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. از منظر نائینی، حکمرانی واقعی از آن امام زمان (عج) است، چون ایشان ظاهر نیستند، و وی همچنین اذعان دارد که بهترین الگوی حکمرانی دولت مشروطه است. (میرزاپور ارمکی، ۱۳۹۸: ۹۲). آیت الله نائینی سه دلیل فقهی و عقلی در برتری مشروطیت بر استبداد، به عنوان اساس مشروعیت نظام مشروطه مطرح می‌کند، که عبارتند از:

۱- وجوب امر به معروف و نهی از منکر. وقتی یک فرد منکرات متعددی را مرتکب می‌شود، به موج قاعده نهی از منکر که از ضروریات دین است، باید او را از ارتکاب یکایک آن منکرات بازداشت. حال اگر ممکن نشد که او را از ارتکاب یک منکر بازداشت، این عدم ارتکاب موجب سلب وظیفه در نهی فرد یاد شده از سایر منکرات نخواهد شد.

۲- نیابت مجتهد جامع الشرایط از امور حسبیه اقامه نظم ممالک اسلامی و حفظ بیضه اسلام. نائینی معتقد است که چون ثبوت نیابت فقها و نواب عام امام عصر حداقل در امور حسبیه قطعی است و از سوی دیگر حفظ نظم ممالک اسلامی و حفظ بیضه اسلام، از بارزترین مصادیق امور حسبیه است، بنابراین، بر فقها و علما فرض است که در امور وظایف یاد شده بکوشند و با تحدید قدرت و استقرار مشروطیت، و وظایف حسبیه، که همان نظم ممالک اسلامی و حفظ بیضه اسلام است اقدام کنند.» (بصیری و ثنائیان زاده، ۱۳۹۱: ۵)

به عبارت روشن‌تر وقتی فقها قادر نیستند که در عصر غیبت به ادای تمام وظایف خود در تحدید کامل سلطنت مطلقه بپردازند، بر آنان واجب است تا به قدر ممکن به تحدید سلطنت و قدرت و

مشروط کردن آن مبادرت کنند. نائینی پس از توضیح اصول بالا نتیجه می‌گیرد که: «چون، این مطالب مبین شد، مجال شبهه و تشکیک در وجوب تحویل سلطنت حاصل غاصبه از نحوه اولی به نحوه ثانوی از ید آن باقی نخواهد بود.» (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۰۲) این خوانش نیز از منظر تاریخی به استنباط نائینی از مفهوم آزادی فردی و قدرت دولتی بر می‌گردد. در راستای همین تفاسیر موضوعی مطرح می‌شود که بسیار حائز اهمیت و سرنوشت‌ساز است و آن، تفسیر علمای مشروعه‌خواه از مساوات در مشروطه از جمله انتقادات شدید علمای مشروعه‌خواه به مشروطیت و ادعای مبنایت آن با شریعت اسلامی، اصل مساوات است. «آنان مدعی بودند که اصل مساوات از ریشه و بنیان با شریعت اسلامی تباین دارد، زیرا لازمه مساوات آن است که طایفه امامیه و فرق ضاله نهج واحد باشند. شیخ فضل‌الله نوری در مبنایت مساوات به تفاوت‌های زیادی در احکام اسلامی، بین موضوعات مکلفین و کافر و مسلم و یمی و حربی و... اشاره می‌کند و می‌نویسد که با توجه به اختلاف‌ها، مساوات ممکن نیست، جز اینکه خیال این باشد که دکانی در مقابل شرع گشود و احکام جدیدی تأسیس شود.» (حائری، ۱۳۶۴: ۱۸۷)

تفسیر علمای مشروعه‌خواه از اصل مساوات در نظام مشروطه با تفسیر بالا کاملاً متفاوت است. «مساوات که در این دوره گفته می‌شود، به این معنی است که هر حکمی که بر هر عنوانی از عناوین شرعی یا عرفیه بار باشد در اجرای آن حکم فرقی ما بین مصادیق آن گذارده نشود.» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۴۲) بر این اساس خوانش نائینی با خوانش نوری بسیار متفاوت خواهد بود. نائینی که اصل مساوات را از اشرف قوانین مبارکه و مأخوذه از سیاست اسلامی و مبنا و اساس عدالت و روح تمام قوانین می‌داند، آن را در یک عبارت کوتاه چنین معنا می‌کند: «هر حکمی که بر هر موضوع و عنوانی به‌طور قانونی است و بر وجه کلیت مترتب شده باشد در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت مجری شود جهات شخصیه و اضافات حاصله راساً غیر ملحوظ و اختیار وضع و رفع و اغماض و عفو از هر کسی مسلوب است و ابواب تخلف و رشوه‌گیری و دلخواهانه حکمرانی به کلی مسدود است.» (طلوعی، ۱۳۸۴: ۱۳۹) همین خوانش کاملاً متفاوت است که نوری را متفکر مشروعه و نائینی را متفکر مشروطه قلمداد می‌کند. «آیت‌الله نائینی و شیخ نوری از نظر فلسفه سیاسی و فقه سیاسی به حکومت ولایی و حکومت ولایت‌فقیه معتقد بودند؛ اما

از نظر جامعه شناختی به این نکته توجه داشتند که وضعیت موجود ایران در عصر قاجار، زمینه و بستر مناسبی برای تحقق حکومت ولایی نیست و باید به دنبال بهترین بدیل برای آن بود.» (بصیری و ثنایان زاده، ۱۳۹۱: ۱۲). هر دوی آنان به حکومت دینی و حکومت ولایی فقیه معتقد بودند. در همین راستا نائینی می‌گوید: «در این عصر غیبت که دست امت از دامان عصمت کوتاه و مقام ولایت و نیابت نواب عام در اقامه وظایف یاد شده هم مغضوب و انتزاعش هم غیر مقدور است، نمی‌توان این مقام و موقعیت را به فقها ارجاع داد.» (نائینی، ۱۳۷۷: ۳۶). همچنین در کتاب تنبیه الامه می‌فرماید: «از جمله قطعیات مذهب ما طائفه امامیه، این است که در این عصر غیبت آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن حتی معلوم باشد وظایف حسیبیه نامیده و نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متقین و ثابت دانستیم.» (آبادیان، ۱۳۷۴: ۳۳)

از نظر میرزای نائینی همه امور نوعی و عمومی که به مسائل سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود، جز امور حسیبیه قرار می‌گیرند و نیابت فقهای عصر غیبت در این زمینه هم، متقین و ثابت است؛ از این رو ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف یاد شده، از قطعیات مذهب خواهد بود. می‌توان گفت که میرزای نائینی نه تنها مدافع ولایت فقیه است، بلکه مدافع ولایت مطلقه فقیه نیز است؛ زیرا یک ساحت از ولایت مطلقه‌ای که امام خمینی (ره) در کتاب «ولایت فقیه» ذکر می‌کند، مطلق امور عمومی است که در کتاب «بیع» هم بدان تصریح می‌کنند. «نائینی ادامه شرایط حکومت مطلوب ولایتیه را آزادی و برابری و شورا در نظر می‌گیرد و ارکان حکومت را قانون اساسی و مجلس شورای ملی می‌داند.» (غفاری و آل غفور، ۱۳۹۸: ۱۹۲). بنابراین افزودن مفاهیم مدرن مانند پارلمان به مفاهیم سنتی از ویژگی‌های گفتمان نائینی است. مرحوم نائینی این عقیده را دارد که فقیه جامع الشرایط به نیابت از حضرت ولی‌عصر (عج) بر کل امور عمومی ولایت دارد. مرحوم نوری نیز دقیقاً به همین نظریه سیاسی اعتقاد دارد. البته ایشان از تعبیر امور عامه استفاده می‌کند و می‌گوید: «امور عامه، یعنی اموری که مربوط به تمام افراد رعایای مملکت هست و تکلم در امور عامه و مصالح عمومی ناس، مخصوص است به امام (ع) یا نواب او و ربطی به دیگران ندارد.» (آجودانی؛ ۱۳۹۷: ۶۶-۶۵). در واقع ایشان تصریح می‌کند که ما به ولایت معتقدیم، نه

وکالت، و ولایت هم در زمان غیبت امام زمان (عج) با فقها و مجتهدان است. بنابراین خوانش متفاوت از مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت می‌تواند یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها بین گفتمان نائینی و گفتمان نوری باشد. و همین خوانش تاریخی متفاوت در زمانه ما نیز باعث ایجاد دسته‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های متفاوت شده‌است.

خوانش‌های تاریخی از گفتمان سیاسی در مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت

رواج اندیشه مشروطیت زنگ خطر برای حکومت استبدادی قاجار به صدا درآورد و بنیان آن سلسله را سست نمود. (اردشیریان، و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰) در همین راستا مفهوم آزادی در برابر استبداد جایگاه ویژه‌ای پیدا نمود. مفهوم آزادی عنصر اصلی مباحث آیت‌الله نائینی در کتاب «تنبیه الامه و تنزیه الملّه» است. وی آزادی را خدادادی و مرتبه‌ای از شئون توحید و از لوازم ایمان به وحدانیت خداوند می‌داند. تأکید نائینی همواره بر این است که ظلم و ستم نسبت به مردم کاهش یابد و حکومت از خودکامگی دست بردارد و کنترل شود. برای این منظور وی حکومت را به دو قسم مشروطه و استبدادی تقسیم می‌کند، حکومت استبدادی حکومتی است که «حاکم فعال مایشا» است و خواست اوست و هرگونه اراده کند، کارها به همان‌گونه باید به انجام رسد، اما حکومت مشروطه حکومتی است که سلطه و تصرف حاکم در امور، تأسیس مقید، محدود و مشروط است. «آزادی مورد نظر نائینی رهایی از بند استبداد است و نه رهایی از خدا.» (مدنی، ۱۳۷۶: ۵۶-۵۵).

به نظر می‌رسد بحث امنیت، نظم، ثبات و انسجام فکری، اعتقادی و ملی جامعه ایران، عنصر مهم و اولویت اندیشه شیخ نوری نیز به‌شمار می‌رود. از این رو شاید بتوان گفت همراهی نخستین او با نهضت مشروطیت نیز به این سبب بود که انتظار داشت به وسیله آن نظم و امنیت در جامعه گسترش یابد. اما پس از مدتی دریافت آنچه که منظور نظر اوست تأمین و برقرار نخواهد شد و بنابراین به نظر خود در جهت حفظ و امنیت گام برداشت و این‌گونه بود که به صورت مخالف نهضت مشروطیت و البته حامی مشروطه مشروعه درآمد. «شیخ نوری با طرد مشروطیت و به‌ویژه، آزادی سعی در پاسخ به مسائل و مشکلاتی دارد که به‌گونه‌ای آنها را مغایر با شریعت و احکام آن می‌داند. از این رو، وی به تبیین آرای خود می‌پردازد و به‌ویژه بر آزادی بیان و قلم سخت حمله می‌کند. در واقع این خوانش شیخ نوری از مفاهیم آزادی و قانون است که باعث می‌شود دیدگاه وی نسبت به

اوضاع کاملاً متفاوت شود. شیخ نوری به نظر خود در پی حفظ امنیت (امنیت دینی و اجتماعی) برای مردم است که با پراکندن اندیشه‌های مشروطیت سخت دچار تزلزل شده و بنابراین، به سمت تقویت آن حرکت می‌کند. ایشان اعتقاد داشت با استقرار مشروطیت چیزی نگذرد که حریت مطلقه رواج منکرات مجاز، مسکرات مباح، زنان مکشوف، شریعت منسوخ و قرآن مهجور شود. البته نوری بر عبودیت تأکید می‌کند. در همین راستا خوانش تاریخی متفاوت در گفتمان سیاسی، نوری و نائینی در مورد مفاهیم آزادی فرد و قدرت دولت مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا بتوان به موضوعاتی که در مقاله به آن‌ها اشاره شده است، دست یافت.

۱- همان قدر که نائینی سعی می‌کند امکان وجود آزادی در اسلام و تاریخ صدر اسلام را اثبات کند، نوری بر خلاف او در تلاش است تا با استناد به متون دینی و به‌ویژه قرآن به امتناع آزادی در شریعت اسلام و قرآن حکم کند. (خوانش متفاوت از مفهوم آزادی در اسلام)

۲- نائینی معتقد است آزادی، خدادادی و مرتبه‌ای از شئون توحید و از لوازم ایمان است. نوری اما به تضاد آزادی با قانون الهی و کفر بودن آزادی در اسلام باور دارد. به نظر او قوام اسلام به عبودیت است نه آزادی.

۳- نائینی بر رهایی از استبداد و کسب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و نه رهایی از خدا و دین می‌اندیشد و نوری از طرف دیگر در پی اثبات این است که در پرتو آزادی، شریعت و مسلمانان تضعیف و هرج و مرج و ناامنی ترویج و قتل و غارت بر کشور مستولی خواهد شد. صرف نظر از همه مسائل می‌توان نائینی را اندیشمند طرفدار آزادی و نوری را اندیشمند طرفدار امنیت دانست. تأکید نوری بر محافظت از شریعت و نظم اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج از چنین دیدگاهی حکایت می‌کند. ضمن اینکه در بحث‌های نوری «دو متن: رساله حرمت مشروطیت در رساله تذکر الغافل و ارشاد الجاهل هیچ گونه تأییدی نسبت به آزادی مشاهده نمی‌شود. به هر حال می‌توان وی را در حوزه نهادگرایان سیاسی جای داد که معتقدند در دوره گذار و بحران با حرکت به سمت توسعه که منجر به خشونت می‌شود، نهاد و امنیت و استقلال مهم‌تر از آزادی فرد و گروه است. زیرا این نهاد (دولت) است که نظم و امنیت را تأمین می‌کند. میرزای نائینی از یک جهت به

نوری نزدیک می‌شود و آن اینکه آزادی، مطلق نیست و دارای قید است. به اعتقاد نائینی آزادی، بی‌بند و باری، ابتذال، هتک حرمت اشخاص در جراید و تهمت و سایر نیست و نوری نیز به این مسأله اشاره می‌کند و می‌گوید مشروطه طلبان با شعار آزادی بیان و قلم به دنبال بی‌بند و باری، منع شریعت و کنار گذاردن قرآن هستند. نوری آزادی را برابر با این مسأله می‌بیند و بنابراین، به نفی آن به طور کلی مبادرت می‌ورزد. اما نائینی با پذیرش آزادی و ضرورت آن به تبیین آن می‌پردازد و قیدهایی بر آن می‌افزاید و نباید از نظر دور داشت که نائینی خود مجتهدی شیعی است که در گفتنمان اسلامی از آزادی سخن می‌گوید. بنابراین خوانش این دو از مفهوم آزادی کاملاً با هم متفاوت است. نوری در بحث تحدید حکومت و سلطنت به نائینی نزدیک می‌شود. گرچه وی مقصود خویش از این تحدید را بیان نمی‌کند، اما مسلم این است که وی به آزادی‌های سیاسی و نقش مردم اشاره نمی‌کند. «در صورتی که آزادی سیاسی، احترام به اندیشه و ادراک افراد جامعه است.» (جعفرزاده و علی عسکری، ۱۳۹۷: ۴۵).

نتیجه‌گیری

گفتنمان سیاسی شیعه بر خلاف دوره حضور امام معصوم (ع) در دوره غیبت تنوع بسیار دارد. مهم‌ترین تحول گفتنمان شیعه در قرن بیستم تحول از سیاست گریزی و دوری از سیاست و تمایل به ضرورت دخالت در مسائل سیاسی با هدف تشکیل حکومت اسلامی بود. در همین راستا انقلاب مشروطه یکی از نقاط عطف تاریخی و بی‌نظیر در تاریخ ایران معاصر محسوب می‌شود. در این برهه، اندیشه‌ها، آرا و گفتنمان‌های مختلفی از بطن جامعه سربرآوردند. بر این اساس، خرده گفتنمان‌های موجود در گفتنمان عام روحانیت شیعی، به مؤلفه‌ها و عناصر اصلی مدرنیته بی‌توجه بودند و بیشتر با توجه به کنش گفتنمان‌های رقیب و در تضاد با یکدیگر بودند که به تولید متون و مفاهیم درباب مشروطه پرداخته و نسبت خویش را با مشروطیت تعیین کردند. این امر باعث شد که این گفتنمان‌ها از درک واقعی مدرنیته عاجز باشند و در نسبت خود با آموزه‌های مشروطیت ابهامات بسیاری داشته باشند. همین ابهامات در ماهیت انقلاب مشروطه ایران باعث ایجاد ناسازگاری‌های بسیار و بعدها شکست این جنبش شد. دو متفکر تعیین کننده در انقلاب مشروطه شیخ فضل‌الله نوری و مرحوم نائینی بودند که به دلیل

خوانش متفاوت از مفاهیم آزادی و قدرت دولت، بسیار مورد توجه قرار گرفتند. شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله نائینی از حیث آغاز و مبدأ اندیشه و گفتمان سیاسی، هیچ‌گونه اختلافی با هم نداشتند و در این حیطة، تفسیر یکسانی از آموزه‌های دینی ارائه می‌کردند، چون هر دوی آنان از نظر فقهی جواهری بودند و از نظر اصولی نیز، از مکتب اصولی شیخ انصاری پیروی می‌کردند، آنان هر دو از مبانی فقهی یکسانی برخوردار بودند. اختلاف آنها در اثبات فرضیه بود، به طوری که شیخ نوری نسبت به موضوع مشروطیت مخالفتی نداشت و بحث او در کیفیت این نوع حکومت در جامعه اسلامی ایران بود. نوری قانون اساسی را به دلیل مخالفت با احکام صریح اسلام، «ضاللت نامه» می‌خواند و از این نظر، معتقد بود که محال است کشور اسلامی با قانون اساسی مشروطه اداره شود، چون ناگزیر باید پس از مدتی اسلام را حذف کرد. ولی مرحوم نائینی با تکیه بر اصول فقهی دلیل برتری حکومت مشروطه را بر استبدادی بیان می‌کرد، وی در توضیح این دیدگاه خود به سه نوع حق اشاره می‌کند «حق خدا، حق امام و حق مردم» و می‌گوید حکومت استبدادی، غاصب هر سه حق نامبرده شده در بالا است. در حالی که حکومت مشروطه تنها حق امام معصوم را غصب می‌کند و دو حق دیگر به دلیل ذات مشروطه که انتخابی است و به حقوق مردم تجاوز نمی‌کند به جای خود باقی می‌ماند. از این رو به نظر نائینی مشروعیت حکومت مشروطه به خاطر آن است که دفع افسد به فاسد است و با آن می‌توان استبداد داخلی را کاهش داد. می‌توان گفت که به دلیل درک متفاوت و خوانش متفاوت از مفاهیم، به خصوص مفاهیمی مانند آزادی فردی و قدرت دولت است که این دو عالم با هم اختلاف نظر پیدا می‌کنند. چرا که درک شرایط داخلی توسط شیخ نوری باعث این نوع تصمیم‌گیری و مخالفت با مشروطه شد در صورتی که مرحوم نائینی از شرایط داخلی به دور بود و تحت شرایطی که قرار داشت، طرفدار مشروطه بود و آن را بر حکومت استبدادی ترجیح می‌داد. در بحث از مشارکت سیاسی نیز دیدگاه شیخ نوری با هیچ‌کدام از شاخص‌های فرهنگ مشارکتی بر نمی‌تابد ولی تألیف حکم الهی و حق مردمی از جنبه‌های اصلی اندیشه علامه نائینی می‌باشد. از دیدگاه شیخ نوری اهرم‌های نظارتی بر قدرت سیاسی و گفتمان سیاسی نیز بر مکانیسم‌های درونی چون فقاقت و عدالت دور می‌زند. اما علامه نائینی تأکید دارد که مشروطه بر شکل و مکانیسم‌های بیرونی نهادینه شده قدرت مراقبت و نظارت می‌کند. در

نگرش به آزادی فرد نیز، شیخ نوری اساس آزادی را در اطاعت و تعبد از احکام شرع می‌داند ولی در گفتمان سیاسی نائینی به واسطه ملاک‌های متعددی چون مشارکت مردمی، عدم تمرکز قدرت سیاسی و وجود قانون اساسی می‌توان آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را مطرح کرد. بنابراین خوانش متفاوت این دو متفکر از مفاهیم مختلف باعث ایجاد اختلاف نظرات بین این دو شد که دو جریان کاملاً متفاوت مشروطه مشروعه و مشروطه را رقم زد و همین اختلافات درونی، باعث شکست جنبش مشروطه شد.

References

- Abadian, Hossein, (1995), **Theoretical Foundations of Constitutional and Legitimate Government**, Tehran, Ney Publishing.
- Afsordeh, Reza, Ameri Golestani, Hamed, Abdolkhani, Lena, Mohagheghnia, Hamed. (2020). Constitutionalism, freedom-seeking and struggle against tyranny in Dehkoda's thought. **Journal of Historical Research in Iran and Islam**, 14 (27), 1-30. doi: 10.22111 / jhr.2020.32754.2693
- Aghabakhshi, Ali Akbar and Mino Afshari Rad, (2004), **Culture of Political Science**, Tehran, Chapar Publishing.
- Ajoudani, Mashallah, (2018), **Iranian Constitution**, Tehran, Akhtaran Publications.
- Alam, Abdolrahman, (2018), **Foundations of Political Science**, Tehran, Ney Publishing.

- Ardashirian, Shahram, Moftakhri, Hossein, Mohammadi, Hossein, Tatari, Ali. (2021). Challenges and obstacles of constitutionalism and elections to the National Assembly in Kermanshah (1342 - 1324 lunar / 1302 - 1285 solar). **Journal of Historical Research in Iran and Islam**, 15 (28), 19-36. doi: 10.22111 / jhr.2020.33964.2758
- Bashiriyeh, Hossein, (2007), **Teaching Political Science**, Tehran, Institute of Negahe Moaser.
- Basiri, Mohammad Ali and Khadijeh Sanaianzadeh, (2012), "Comparison of the political thought of Mirza Naeini and Sheikh Fazlullah Nouri" **Journal of Political and International Science**, first year, fourth issue, pp. ۱-۱۶.
- Bayat, Abdolrasoul, (2002), **An Introduction to Contemporary Schools and Thoughts**, Tehran, Institute of Religious Thought and Culture.
- Beheshti, Mohammad, (2007), **Naeini Political Thought**, Qom, Bustane Ketab Institute.
- Davoodi, Ali Asghar, (2010), Theory of Discourse and Political Science, **Quarterly Journal of Political Studies**, Volume 2, Number 8, pp. 51-74.
- Fairclough, Norman, (2000). **Critical Analysis of Discourse**, translated by Fatemeh Shayesteh Piran, Tehran, Tabe and Nashr Publications.
- Foucault, Michel, (2019), **Paleontology of Knowledge**, translated by Niko Sarkhosh, Tehran, Ney Publishing.
- Ghaffari, Abolfazl and Al-Ghafoor, Seyed Mohammad Taghi, (2019), Components of desirable destruction to strengthen active political participation in the Islamic Republic of Iran, **Journal of Transcendental Politics**, Year 7, No. 27, pp. 187-210.
- Haeri, Abdolhadi, (1981), **Shiism and Constitutionalism in Iran and the Role of Iranians living in Iraq**, Vol. 1, Tehran, Amirkabir Publications.
- Hosseinizadeh, Seyed Mohammad Ali, (2004), "Theory of Discourse and Political Analysis", **Quarterly Journal of Political Science**, Baqer al-Uloom University (AS) No. 28, pp. 181-212.
- Howarth, David, (1998), "Theory of Discourse", **Quarterly Journal of Political Science**, First Year, No. 2, pp. 141-164.

- Ishaqi, Hossein, (2005), **Freedom in Islam and in the West**, Qom, Islamic Research Center of Radio and Television and Tehran, Kharazmi Publications.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, (1984), **Legal Terminology**, Ibn Sina, Tehran, Rastad Foundation Publishing.
- Jafarzadeh, Siamak and Ali Asgari, Ebrahim, (2015), The Position of Freedom of Thought in the School of Principles of Jurisprudence of Imam Khomeini as the Basis of Political Freedom, **Journal of Transcendental Politics**, Sixth Year, Number 6, pp. 43-62.
- Jamalzadeh, Nasser, (1987), **Structures of Power (Introduction to Political Science)**, Tehran, Office of Political Studies and Research.
- Kasraei, Mohammad Salar, (2009), Laclau and Mouffe discourse theory, an effective tool in understanding and explaining political phenomena, **Journal of the Faculty of Law and Political Science**, Volume 39, Number ۳, □□. ۳۳۹-۳۶۰.
- Keshakesh, Karim Yusuf Ahmad, (1999), Public Freedom in Contemporary Political Order, **Payam-e-Zan Magazine**, Tehran.
- Keshishyan Siraki, Garineh and Behnam Judi, (2017), "Constitution and Law: Mirza Naeini and Failed Ijtihad", National **Conference on Applied Research in Humanities and Psychology**, March 30, 2017, indexed in the Islamic World Science Citation Database, Tehran.
- Laclau and Mouffe, (2016), **Analysis of Political Discourse (Political as a Construction)**, translated by Amir Rezaei Panah and Somayeh Shokati Mogharbi, Tehran, Tisa Publications.
- Madani, Seyed Jalal al-Din, (1997), **Generalities of Constitutional Rights**, Tehran, Paydar Publications.
- Mahdavi Nasab, Homayoun, (2011), "Sheikh Fazlullah Nouri, Naeini; Conflict or Misunderstanding ", **Social Studies Site**, No. 6.
- Malek Afzali Ardakani, Mohsen, and Motahhari Fard, Morteza, (2017), The Study of the Permission or Non-permission of Strikes in the Islamic Government, **Journal of Transcendental Politics**, Fifth Year, No. 18, pp. ۱۲۵-۱۴۴.
- Marsh David and Jerry Stoker, (2005), **Methods and Theory in Political Science**, translated by Amir Mohammad Haji Yousefi, Tehran, Institute for Strategic Studies.

- Mirahmadi, Mansour, (1999), "An Introduction to Political Freedoms from the Viewpoint of Imam Khomeini", **Quarterly Journal of Political Science**, Qom, Volume 2, Year 2, Number 5, pp. 99-120.
- Mirahmadi, Mansour, (2002), **Freedom in the Political Philosophy of Islam**, Qom, Bustan Ketab Publishing.
- Mirzapour Armaki, Abolfazl, (2019), Presenting the Islamic-Iranian Model of State-building with Emphasis on the Experience of Islamic Governance, **Journal of Transcendent Politics**, Seventh Year, No. ۲۷, pp. ۸۷-۱۰۸.
- Mohammadnejad, Iran, (۲۰۱۵), A Study of the Concept of Power and Political Affairs in Discourse Theories, **Quarterly Journal of Political Studies**, Volume ۲, Number ۳, pp. ۹۱-۱۱۴.
- Montazer Ghaem, Mahdi, (۲۰۰۸), "Political Freedom", **Quarterly Journal of Islamic Government**, Second year, First Issue, Qom, Tebyan Publishing, pp. ۱۲۸-۱۰۰.
- Naeini, Mohammad Hossein, (۱۹۹۸), **Tanbih al-Ummah and Tanzih al-Mullah**, with Explanations by Seyyed Mahmoud Taleghani, Ninth edition, Tehran, Enteshar Corporation
- Nahj olbalagheh
- Nouri, Sheikh Fazlollah, (۱۹۹۵), **Treatise on Constitutional Sanctity**, by Gholam Hossein Zargarinejad, Tehran, Kavir Publications.
- Nouri, Sheikh Fazlullah, (۲۰۰۸), **Tazkereh al-Ghafil wa Ershad al-Jahil**, Qom, Tebyan Cultural and Information Institute.
- Phillips and Jorgensen, (۲۰۱۰), **Theory and Method in Discourse Analysis**, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.
- Rezaei, Fatemeh, Moradi, Massoud. (۲۰۱۶). Evaluation of the Concept of Nation in the Qajar Period. **Journal of Historical Research in Iran and Islam**, ۱۰ (۱۹), ۱۰۱-۱۲۰. doi: ۱۰,۲۲۱۱۱ / jhr.۲۰۱۷,۲۹۷۶
- Tajik, Mohammad Reza, (۲۰۰۰), **Discourse and Discourse Analysis**, Tehran: Farhange Gofman Publishing.
- Tolouei, Mahmoud, (۲۰۰۵), **The Story of the Revolution**, Sixth edition, Tehran, Alam Publishing.
- Turkman, Mohammad, (۱۹۹۳), Collection of articles, **Treatises and Announcements, etc. Sheikh Fazlullah Nouri**, Volumes ۱ and ۲, Tehran, Rasa Publishing.

- Zargarinejad, Gholam Hossein, (۱۹۹۵), **Treatises on Constitutionalism**, Tehran, Kavir Publications.